

## نیازهای اجتماعی و نقش دولت ها و بازارها:

### در حوزه تامین اجتماعی<sup>۱</sup>

تئوپست بوتار ( Theopiste Butare )

موسسه بین المللی تامین اجتماعی<sup>۲</sup>

ترجمه: الهام اطمینان<sup>۳</sup> و محمدرضا فرهادی پور<sup>۴</sup>

مقاله حاضر در پی آن است تا نقش دولت و بازار را در مواجهه با نیازهای اجتماعی به ویژه در حوزه مستمری های بازنشستگی مورد بررسی قرار دهد. هدف اصلی این بحث در بخش ابتدائی ارائه تحلیل مقدماتی بر پایه ایدئولوژی های نوین توسعه و نتایج مطالعات تجربی اخیر در این حوزه است. تئوریهها و مباحث جاری در خصوص نهادهای تاثیرگذار تحلیل می شود و در ادامه مستمری بازنشستگی و نقش کم رنگ دولت در این حوزه با ارائه مستندات در خصوص اثرات متقابل میان مستمری بازنشستگی، سرمایه گذاری و رشد مورد بحث قرار می گیرد. پس از آن با استفاده از داده ها و محاسبات انجام شده در چند کشور توسعه یافته و در حال توسعه به بررسی نقش دولتها و نیازهای اجتماعی خواهد پرداخت و در نهایت در بخش پایانی بازخورد تلفیقی حاصل از مشاهدات تجربی و دیدگاههای نظری موجود ارائه می گردد.<sup>۵</sup>

طی دو دهه گذشته در سراسر جهان تاثیر توسعه گسترده مفاهیم ایدئولوژی لیبرال در بسیاری از مجامع داخلی و بین المللی مورد توجه قرار گرفته است. هدف از این بحث علاوه بر آشنایی خواننده با دیدگاههای متفاوت، آشنایی با تفکر اصلاحات در حوزه مستمری بازنشستگی است. در مباحث مربوط به اصلاحات بازنشستگی به طرح پیشنهادی بانک جهانی ( ۱۹۹۴ ) و انتقادهایی که به آن وارد است اشاره خواهد شد. بر اساس مدل تئوریک اقتصاد بازار و ایدئولوژی لیبرال مزایا و معایب بازار و دولت در مواجهه با نیازهای اجتماعی<sup>۶</sup> در قالب یک چهارچوب عمومی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

<sup>۱</sup> . *Theopiste Butare, Social Needs and the Roles of Governments and Markets: The Case of Retirement Pensions. International Social Security Review, Vol. 51, 3/98*

<sup>۲</sup> . International Social Security Association ) ISSA )

<sup>۳</sup> . کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

<sup>۴</sup> . <http://www.Farhady.com>

<sup>۵</sup> - دیدگاههایی که در اینجا مطرح می شود نظر نویسنده است و نظر موسسه بین المللی تامین اجتماعی محسوب نمی شود. در اینجا لازم است سپاس خود را از آقای وارن مک گیلوری ( Warren Mc gilliviray ) و راجر بیٹی ( Rager Beattie ) به خاطر مطالعه دقیق نسخه اولیه و ارائه پیشنهادات در جهت غنای مقاله حاضر، اعلام نمایم در ضمن تشکر خود را از آقای سیندیا اومولیزا ( Cynthia umulisa ) برای رسم نمودارهای مقاله و همچنین دانشجویان سال آخر رشته اقتصاد در دانشگاه بوترا ( Buter - Rwanda ) به خاطر ارائه مقاله ای با همین موضوع که در اگوست ۱۹۹۷ اعلام نمایم. قطعاً هیچ ایراد یا قضاوتی را نمی توان به آنها نسبت داد و همه آنها متوجه نویسنده است.

<sup>۶</sup> - منظور از واژه " نیازهای اجتماعی " احتیاجات اولیه حمایت های اجتماعی و تحصیلی است که معمولاً توسط دولت پوشش داده می شود. در اینجا سایر اجزاء نظیر عملکرد مدیریت را نیز باید اضافه کرد ( نگاه کنید به پلاگنت و کون سیالدی ۱۹۹۵ و Plagent & Concialdi ) مجموعه کامل این نیازها ممکن است از کشوری به کشور دیگر تفاوت داشته باشد که دلیل آن به رشد سریع بخش خصوصی در ۲۰ سال گذشته و غیر مساوی بودن آن در مناطق مختلف جهان بر میگردد و مقایسه آن سخت است. به عنوان یک نمونه تجربی می توانید به بخش " نیازهای اجتماعی و نقش دولت " مراجعه کنید.

## توسعه ایدئولوژی در دهه اخیر

از سال ۱۹۸۰ به دلیل اتفاقات همگرا در سراسر جهان شکافی در تئوری لیبرال بوجود آمد. با وجود این اتفاقات می توان درک نمود که چرا مدل اقتصادی موفق ژاپن، پیروان زیادی در میان کشورهای همسایه (جمهوری کره، تایلند، سنگاپور و غیره) پیدا کرده است، هر چند چشم انداز اقتصادی این کشورها هنوز تیره به نظر می رسد. چرا که برنامه های توسعه آنها از سالهای ۱۹۷۰ آغاز شده و آنها در این مسیر با بحران هایی در بازار مالی و سهام مواجه بوده اند و این بحران ما را به این تفکر رهنمون می سازد که این مدلها نیاز به تعدیل دارند. همچنین می توان به گذار فدراسیون روسیه به سوی اقتصاد بازار اشاره کرد و تغییر شکل اقتصاد چین را در دوران گذار در طی این سالها<sup>۱</sup> نباید فراموش نمود. در پایان به منظور کامل نمودن فهرست موارد مذکور باید؛ ایجاد بازار اروپای واحد که به نیروی بازار پویا به دلیل شتاب در اقتصاد اروپا، واتحاد سیاست یکسان وابسته شده است و درنهایت اجلاس دور اوراگوئه که به توافق ۱۱۷ کشور انجامید و فاز مهمی در پدیده بازار از طریق آزادسازی تجارت به شمار می آید، را یادآور می شویم.

اقتصاد بازار با تکیه بر ایدئولوژی لیبرال که سهم زیادی را در جهان برای مدت طولانی به خود اختصاص داده، به نظر پیروز می رسد، اگرچه به منظور پیش بینی دقیق تر با مشکلاتی مواجه هستیم (نگاه کنید جمل ۱۹۹۷ Gamel)، بررسی وضعیت کشورهای که جدیداً به تجارت آزاد روی آورده اند نشان از آن دارد که تلفیق و ترکیب اقتصاد و لیبرالیسم سیاسی سودی در بر نداشته، ضمن اینکه این پرسش در خصوص عملکرد اقتصاد بازار هنوز پا برجاست که بودن یا نبودن طبقه متوسط در قلب جوامع لیبرال که بیانگر وضعیت عدالت اجتماعی در این جوامع است، در قرن گذشته توسط اقتصاد دانان بهبود یافته است یا خیر؟ بنابراین پیروزی لیبرالیسم (آزادیخواهی) مشکلاتی را برای جوامع بوجود آورده که لازم است مجدداً حل شوند و این همان مطلبی است که در بالا ذکر شده است.

در پایان باید گفت که در سرتاسر تاریخ بشری، پدیده اقتصاد بازار مورد نقد قرار گرفته و در عین حال شرایط رسیدن به توسعه بسیار پیچیده است. در ضمن باید اشاره کرد که اولین چیزی که در پس اتفاقات در کشورهای شرقی می توان استنباط کرد آن است که روحیه و تمایل بنگاهها برای ریسک پذیری به آسانی برگرداندن حقوق مالکیت رسمی نیست چیز دیگری که در این میان حذف گردید، ارزشهای اخلاقی و احترام به قانون بود که می بایست به عنوان یک حاشیه ایمنی یا یک اصل در تجارت آزاد مانع هرج و مرج و یا آرمان گرایی می شد.

پیشرفت فرآیند جهانی شدن به طور مشخص از سال ۱۹۹۰ ملموس است و با یک روند منطقی در راستای رسیدن به لیبرالیسم (آزادیخواهی) در حال حرکت است. جهانی شدن<sup>۲</sup> به صورت یک چارچوب اجباری در همه پروژه ها و تحلیل ها در بخش صنعت، تجارت، شبکه، یکپارچگی منطقه ای و سیستم های اجتماعی و همه مواردی که به نوعی با آن در ارتباط است، توصیه می گردد. بنابراین جای تعجب نیست که بانک جهانی در جایگاه یک نهاد بین المللی بیش از مسائل اجتماعی بر روی مسائل اقتصادی متمرکز شود. بحث در خصوص مستمری بازنشستگی در گزارش بانک جهانی با هدف استفاده دولت ها در سراسر جهان تهیه شده است. (نگاه کنید به بانک جهانی ۱۹۹۴، تحلیل های انتقادی قابل توجه بیتی و مک گیلیوری).

<sup>۱</sup> -موردی که در اینجا باید یادآور شد اختلافی است که در نحوه مدیریت در میان بخش کمونیست و بخش بازار چین مشاهده می شود. در بخش کمونیست هنوز مدیریت توسط دستهای آهنی صورت می گیرد و شرایط برای شفاف سازی کامل تا کنون مهیا نشده است.

<sup>۲</sup> -هدف اصلی این مقاله بحث در خصوص پدیده جهانی شدن نمی باشد این موضوع در جای خود بی نهایت پیچیده است و در اینجا بحث ساده ای از آن مدنظر است زیرا جهانی شدن با فرآیند بازار و گسترش آن در ارتباط است و جوهره طرح پیشنهادی بانک جهانی (۱۹۹۴) در مورد مستمری بازنشستگی نیز در این راستا تنظیم شده است. این پیش طرح بر اساس برنامه جهانی سازی است و به وضوح مشاهده می شود که ویژگیهای محلی یا ملی کشورها در آن لحاظ نشده است.

## - سیستم های مستمری تامین اجتماعی - مشکلات و راهکارهای پیشنهادی

در بخش قبل در خصوص گزارش منتشر شده بانک جهانی به دلیل ظهور مشکلات مالی در نظام های ارزیابی سالیانه سیستم های بازنشستگی صحبت شد. پیشنهاد مشخص بانک جهانی جایگزینی نظام هایی بود که بخش عمده مزایای آن توسط بخش خصوصی قابل ارائه بود.

مک گیلیوری (۱۹۹۷) ضمن روشن نمودن مشکلات اصلی طرح های مستمری بازنشستگی در سرتاسر جهان تاکید می نماید که باید اصلاحاتی در روش تامین مالی و برقراری مزایای آتی آنان صورت گیرد. هزینه اداری بالا، ناکافی بودن منابع برای انجام محاسبات بیمه ای در صورت اعمال تغییرات، ناکافی بودن سرمایه گذاری ها و ریسک بالا و دلسرد کننده برای انجام پس انداز در دوران بازنشستگی از جمله مشکلات موجود بر سر راه اصلاحات به شمار می رفت. ( نگاه کنید به بانک جهانی مک گیلیوری<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷). - راهکار بانک جهانی برای حل این مشکلات، پرداخت یکسان صندوق بازنشستگی عمومی همراه با کاهش مزایای مستمری بگیران و پرداخت مابقی مزایا از طریق صندوق های بازنشستگی خصوصی مرتبط با سطح دستمزدها و حق بیمه ها در قالب سیستم پس انداز اجباری بوده است. ( رجوع کنید به بیٹی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴).

طبق پیش بینی بانک جهانی این حجم پس انداز می تواند برای تامین مالی سرمایه گذاری های سودده مورد استفاده قرار گیرد و این امر منجر به رشد اقتصادی قابل قبول خواهد بود که همه افراد جامعه از آن منتفع میگردند<sup>۳</sup>.

به منظور حل این مشکلات لازم بود تا تغییراتی در سیستم های موجود بر اساس مزایای معین صورت می گرفت که به طور مشخص سن بازنشستگی بالاتر، استفاده از مهاجران به صورت موقت برای افزایش جمعیت فعال، اتخاذ سیاستهایی که منجر به افزایش نرخ باروری می گشت و اصلاح سیستم تعدیل مستمری و غیره مد نظر قرار گرفت. ( برای توضیحات بیشتر در این ارتباط نگاه کنید به مک گیلیوری در سال ۱۹۹۷).

طبق مطالعات انجام شده در میان کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۴</sup>، اصلاحات طرح های مستمری بازنشستگی در سالهای اخیر در کشورهای صنعتی در قالب برنامه های کاهش ارزش واقعی مزایای قابل ارائه سیستم های عمومی، تعدیل مجدد مزایا، حمایت از طرح های مستمری بازنشستگی عمومی همراه با گسترش ارائه مزایا توسط بخش خصوصی، تغییر در شاخصهای متفاوت مرتبط با سن بازنشستگی، تغییر قوانین بازار کار و بازنشستگی و سیاستهایی که به تغییر ساختار خانواده می انجامید، خلاصه شده بود ( نگاه کنید به کالیش و امان Kalish , Aman).

## - تعادل رقابتی مدل نئوکلاسیک

اصول حاکم بر اقتصاد بازار و ایدئولوژی لیبرال که طی دو دهه گذشته بیشترین تاثیر را بر مناطق مختلف جهان داشته بر اساس فروض تعادل نئوکلاسیک بنا شده است<sup>۵</sup>.

بر اساس فروض اصلی مدل تعادل رقابت کامل وجود تقاضا برای هر کالایی در اقتصاد مفروض است و این نوع تعادل دارای نرخ بهره بالاتر است زیرا تحت این شرایط قادر است تخصیص بهینه در منابع را بوجود آورد. این شرایط معمولاً در حالتی لحاظ می شود که امکان سنجی از سایر شرایط وجود داشته باشد.

<sup>۱</sup> . Mc Gillivary

<sup>۲</sup> . Beati

<sup>۳</sup> - بر اساس نظرات برخی نویسندگان و طبق شواهد تجربی برای رسیدن به این سناریوی دل نواز، فاصله زیادی وجود دارد. برای توضیح بیشتر به بخش " مستمری بازنشستگی " نگاه کنید.

<sup>۴</sup> . Organization for Economic Cooperation Development

برای مطالعه بیشتر به فصلنامه تامین اجتماعی شماره ۲۰ صفحه ۱۳۰ رجوع نمائید

<sup>۵</sup> - ترجیحات یا رفتاری که در این مدل مورد بحث قرار میگیرد در قالب مدل تعادل عمومی یا رقابت کامل یا اقتصاد لیبرال یا مالکیت خصوصی مد نظر نویسنده است که این الگوها اشاره به مدل نئوکلاسیک دار ند و از تئوری حداکثر مطلوبیت منتج شده است.

اما به تجربه نمونه های زیادی را می توان نام برد که در آن اقتصاد بازار نتوانسته به تخصیص بهینه منابع منجر گردد. هدف از حرکت دولتها در جهت پیدا کردن موانعی است که مانع تعادل بازار در سطح بهینه و لحاظ شاخصهای اصلاحی دقیقی است که می تواند مد نظر قرار گیرد. ( نگاه کنید به مثال بار، ۱۹۹۲ و یا استیگلیتز، ۱۹۸۸ ).

### شکست بازار و نقش دولت

بحث اصلی این مقاله در ارتباط با مطالباتی است که هر تئوری به دلیل شکست بازار از دولت دارد. در مباحث مربوط به بازار، دولتها عموماً با توجه به تولید کالاهای همگانی و عوارض جانبی نظیر بازدهی فزاینده، مداخله گر نامیده می شوند.

**بازدهی فزاینده:** بازدهی فزاینده یا اندازه اقتصاد که در توابع تولید مطرح می شود در واقع افزایش یک واحد در مقدار داده ها است که منجر به افزایش بیش از دو برابر در ستاده ها می گردد. اندازه اقتصاد فقط در خصوص تولیدات فیزیکی مصداق ندارد و در سایر بخشها نظیر تحقیقات، هزینه های مدیریتی و اداری نیز مطرح است.<sup>۱</sup>

**کالاهای عمومی:** فلسفه تولید کالاهای عمومی به فرآیند بازار بر می گردد که اجازه شکل گیری تخصیص بهینه پارتو را که برای همکاری و مشارکت مورد نیاز است؛<sup>۲</sup> نمی دهد. این گروه از کالاها ( سیستم روشنایی عمومی یا دفاع ملی و غیره ) با سایر کالاهایی که توزیع آنها توسط بازار تضمین شده، تفاوت دارد. از دیگر مشخصات این کالاها این است که اساساً رقابتی نمی باشند و کسی را نمی توان از استفاده آن محروم ساخت ( non - exclusion )<sup>۳</sup> ویژگی عدم محرومیت بر این تاکید دارد که وقتی کالای عمومی تولید شد، نمی توان مانع استفاده عموم از آن شد. این ویژگی مشکل سواری مجانی ( Free - rider ) نامیده می شود. رفتار سواری مجانی ممکن است انگیزه ای را در افراد به وجود بیاورد که هر مصرف کننده منتظر نماند تا سایرین پیش قدم شوند و به خاطر وجود چنین سواری نمی توان انتظار داشت در بازاری که در آن مصرف کنندگان سطح رضایتمندی خود را از نیازهایشان به حداکثر می رسانند، به سمت تخصیص بهینه پارتو در خصوص همه کالاها و خدمات هدایت شود، از همین رو وجود منابع در بخش عمومی، معنی پیدا می کند.

### عوارض جانبی<sup>۴</sup>

عوارض جانبی یا اثرات خارجی تاثیر غیر مستقیمی است که یک فعالیت تولیدی و یا مصرفی بر روی تابع مطلوبیت، سیستم تولید یا مصرفی دیگر برجای می گذارد. ( برای توضیح بیشتر نگاه کنید به برگن میر<sup>۵</sup> و بوتار ۱۹۹۴ ). منظور از غیر مستقیم در اینجا این است که اثر تولید شده به وسیله یک بنگاه اقتصادی متفاوت از واحدی است که متاثر شده است. ضمن اینکه این تاثیر از طریق سیستم قیمت روی نداده است.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> ۲- طبق شواهد موجود نسبت هزینه های اداری صندوقهای مستمری خصوصی در شیلی بسیار بالاتر از این نسبت در طرح های عمومی ایالت متحده آمریکا است.

<sup>۲</sup> ۱- برای گروهی از افراد این موقعیت بهینه پارتو نامیده می شود که اگر نیازهای یک گروه از افراد برآورده شود در رضایتمندی سایر افراد در برآورده کردن نیازهایشان مشکلی ایجاد نمی گردد.

<sup>۳</sup> ۲- به کالایی رقابتی یا قابل تقسیم گفته می شود که وقتی به وسیله یک نفر خریده شد به محدودیت مصرف فرد دیگر بیانجامد. به کالایی با محدودیت ( exclude ) گفته می شود که مالک حق دارد در صورتیکه خریدار قیمت آن را پرداخت نکند مانع دسترسی خریدار به آن کالا گردد.

<sup>۴</sup> Externalities

۵

۴- واژه ارتباط عملکردها با مصرف  $X^i$  به وسیله بنگاه  $A$  تنظیم می شود با وجود اثر جانبی، ارتباطی میان این بنگاه با محیط اقتصادی وجود ندارد. به عنوان مثال سطح تولید بنگاهها و سطح مصرف سایر مصرف کنندگان (  $x^1, \dots, x^{i-1}, x^i, \dots, x^{i+1}, \dots, x^1, y^1, \dots, y^j$  )، و بردار مصرف ممکن طبیعی (  $x^1, \dots, x^{i-1}, x^i, \dots, x^{i+1}, \dots, x^1, y^1, \dots, y^j$  )

<sup>۶</sup> ۲- مقوله اثر جانبی، اثر جانبی تکنولوژی را نیز بیان می کند که در اینجا در مورد آن بحث می شود. نوع اثر جانبی که در اینجا مورد نظر نویسنده است یک اثر جانبی نقدی است عموماً بحث های بعدی بی معنی می شوند اگر خودمان را محدود به یک مدل فاقد اطلاعات نامتقارن کنیم. جایی که قیمتها جابجا می شوند فقط برای متعادل کردن عرضه و تقاضا کافی است و در جائیکه رفتار رقابتی وجود دارد نقطه بهینه واقعی برابر با نرخ نهایی سوبسید یا هزینه های انتقالی است.

در مدل نئوکلاسیکی تفکر اندیشه عوارض جانبی به دلیل نبود بازارهای معین شکل می گیرد در هر جایی از اقتصاد که انگیزه تولید از بین می رود برای ایجاد بازار برای یک کالای معین، یک اثر جانبی پیدا خواهد شد. مفهوم عوارض جانبی با تعریف بنگاههای اقتصادی و وجود بازارهایی که در آن بنگاهها مشغول به فعالیت هستند مرتبط است.<sup>۱</sup>

در یک اقتصاد پایاپای که بازار وجود دارد مبادلات به دو اثر جانبی قابل تفکیک است. مقدار  $q_m^j$  از کالای  $m$  را که بنگاه  $j$  می پذیرد. تا با  $q_k^i$  مقدار کالای  $k$  که بنگاه  $i$  تولید می کند و به وجود آورنده عوارض جانبی یا اثر خارجی برای بنگاه  $i$  است، مبادله کند.

مطلوبیت بنگاه  $i$  نه تنها به عملکرد خودش بستگی دارد بلکه به عملکرد  $q_m^j$  نیز مرتبط است در بی نهایت می توان برای بردار عناصر فعال در یک بنگاه با سایر بنگاهها، یک بازار در نظر گرفت. اگر این اتفاق بیافتد، بحث عوارض جانبی دیگر مطرح نمی شود. تعداد معینی از عوارض جانبی معمولاً به صورت سوبسید در اقتصاد وارد می شوند و به صورت قانونی برای بنگاهها و بازارهای فعال اقتصادی وجود خواهند داشت. حضور و توجیه اثر خارجی فقط با توجه به اندازه اقتصادی واحدها و تعداد بازارها قابل درک است و در تعادل عمومی مدل نئوکلاسیکی توضیحی در خصوص این متغیرها و تمایل بنگاهها در این ارتباط وجود ندارد و تنها عملکرد اقتصادی بنگاهها و بازارها در این مدل مورد مطالعه قرار می گیرد و در نتیجه بازخورد آنها برای توجیه و وجود عوارض جانبی بسیار محدود است.

مداخله دولت در مواجهه با عوارض جانبی با هدف ایجاد مجدد بهینه پارتو در چارچوب مدل تعادل رقابتی معمولاً با دو ابزار وضع قوانین و مالیات<sup>۲</sup> صورت می گیرد. ( برای بحث بیشتر نگاه کنید به استیگلیتز ۱۹۸۵ ).

### شکست دولت

یکی از اهداف اصلی طرح شکست دولت در این مقاله از شکست بازار نشات می گیرد. مشروعیت حضور دولت فقط به دلیل شکست بازار کافی نیست. چرا که تعریف شکست بازار به دلیل حضور کالاهای عمومی و یا وجود عوارض جانبی برای تعیین موقعیت دولت برای خدمات رسانی در قالب یک راهبرد اصلی سیاست گذاری، دلیل کافی و روشنی برای حضور دولت نمی باشد این مفاهیم به صورت عمومی تعریف می شوند و ما نمی دانیم به عنوان مثال کدام عوارض جانبی باید تحت کنترل درآمده و کدام کالاهای عمومی باید تولید گردند.

دوم اینکه استفاده از مفهوم بازار برای توجیه دخالت دولت، واقعاً به دولت اجازه نمی دهد تا با قدرت کافی به عنوان یک ماشین عمل کند و یا اینکه فعالیت هایی را که تعهد کرده به انجام رساند. مثالهایی نیز در این ارتباط ( نظیر سکس، اعتیاد و ... ) نشان از این واقعیت دارد که در هیچ جامعه ای همه چیز نمی تواند آزادانه تجارت شود. بنابراین مشکل می توان گفت که حضور دولت برای حل مجدد مشکلات جوامع معاصر بر اساس تحلیل کاملی از شکست بازار، صورت گرفته است. ( نگاه کنید به برگن میر<sup>۳</sup> و بوتار، ۱۹۹۴ ).

منتقدان به حضور دولت در بازار بیان می کنند که وجود دولت منجر به آن شده که بزرگترین بخشی از درآمد کسب شده از ثروت باقی مانده در دست طبقه متوسط، قدرت انتخاب و گزینش قابل ملاحظه ای را برای گروههای ذی نفع به شکل مناسبی

اثر جانبی نقدی ممکن است در جایی بروز نماید که اطلاعات متمرکز نشده است و قیمت ها نقش دوگانه ای دارند، ابتدا برای عرضه و سپس برای تقاضا و پس از آن همه یا بخشی از اطلاعات انتقال پیدا می کند ( نگاه کنید به مثال کافونت ( ۱۹۹۸ )، ( Kaffont ) ).

<sup>۱</sup> - به طور کلی ما می توانیم بگوئیم که تکنولوژی بنگاه  $j$  به وسیله تولید کالای  $j$  که کاملاً بیرونی است تعریف مجدد شده و از طریق سطوح تولید و مصرف بنگاه دیگر مقید شده است. (  $x^1, \dots, x^j, \dots, Y$  و  $y^{j+1}, \dots, y^{j-1}, \dots, y^1$  )  $y^j$

<sup>۲</sup> - در طرحهای عمومی، دولت عوارض جانبی را میان فعالین و بخش بازنشسته به وسیله انتخاب روش تامین مزایای بازنشستگی تنظیم می نماید. (در ادامه نگاه کنید به بخش مستمری بازنشستگی)

<sup>۳</sup> . Barga meire

ساماندهی میکند ضمن اینکه موسسات بخش دولتی توسط تعدادی از بروکراتها که پست های کلیدی را در اختیار دارند، مدیریت می شوند. ( نگاه کنید به ماسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶ ).

این ادعا که انحراف مذکور ممکن است به ناکارآمدی عملکرد مسئولین دولتی بیانجامد، - نباید معیار ارزش گذاری قرار گیرد چراکه در چارچوب تئوری مطلوبیت هم می توان شاهد بود که توزیع مجدد همیشه هدفهای انتخاب شده را مد نظر قرار نداده و گروههای ذی نفع مشخص ممکن است کارآمدی بیشتری را برای اقتصاد بدنبال داشته باشند. ضمن اینکه بحث های مربوط به شکست دولت در همه جا مصداق ندارد. شواهد زیادی وجود دارد که نشان میدهد مزایای نسبی طبقه متوسط از وضعیت مناسبی برخوردار نمی باشد ( به عنوان مثال مقایسه آمریکا با آلمان و سوئد).

### مستمری بازنشستگی

در این قسمت مباحث جاری مستمری بازنشستگی با مروری بر عملکرد اقتصاد و با توجه به برخی مطالعات موردی بررسی میشود ( نگاه کنید به ایپولیتو<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹ و بیچات<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲ و بار<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳ و بانک جهانی، ۱۹۹۴، دیویس<sup>۵</sup>، ۱۹۹۵ ). در ادامه مزایا و معایب حضور دولت در طرح های مستمری همراه با مروری بر اصلاحات بازنشستگی و ارتباط طبیعی میان مستمری بازنشستگی و رشد اقتصادی بررسی خواهد شد .

### عملکرد اقتصادی مستمری های بازنشستگی :

طرح های مستمری از طریق توزیع مجدد در طول زمان قادر به انتقال بخشی از درآمد به سالمندان هستند. بیچات بیان می کند موجودات عاقل ( انسان ) برای یک لحظه زندگی نمی کنند و آنها به دنبال حداکثر نمودن مطلوبیت مادی خود از طریق توزیع مصرف در طول زندگی هستند، بنابراین فرض می شود آنها بهترین روش را با توجه به قید بودجه ای که در اختیار دارند انتخاب می کنند.

اگر تعدادی از افراد جامعه را در نظر بگیریم، عملکرد اقتصادی صندوقهای بازنشستگی برای این گروه شامل بیمه، توزیع مجدد و پس انداز می باشد ( نگاه کنید به بانک جهانی، ۱۹۹۴ یا بار، ۱۹۹۳ )

مطالعات انجام شده در تعدادی از کشورهای صنعتی نشان از آن دارد که بسیاری از موارد افراد مسن از متوسط استاندارد زندگی بالاتری نسبت به سایر جمعیت برخوردارند.

پرداختهای اولیه برای انتقال درآمد به تامین اجتماعی و وجود بخش خصوصی در بالا بردن این سطح تاثیر گذار بوده است، ضمن اینکه یک فرد جوان از زمان کافی برای پس انداز برخوردار نیست و بسیاری از افراد فقیر جامعه قبل از رسیدن به سن بازنشستگی فوت می نمایند. ( نگاه کنید به دیویس، ۱۹۹۵ ).

انتقال درآمد قبلی افراد بدان دلیل است تا آنها قادر به مصرف در دوران بازنشستگی باشند. چراکه امکان ذخیره کردن کالاهای تولیدی از نظر فیزیکی در زمان حال وجود ندارد و در واقع این انتقال درآمد یک مبادله میان بخشی از تولید در زمان حال با حق تولید در آینده است.<sup>۶</sup>

1 . Masson

2 . Ippolito

3 . Bichat

4 . Bar

5 . Davis

۶- برای توضیح بیشتر این نسبت ( ایزنر ۱۹۹۴ Esiner ) باید گفت که یک تکه نان را نمی توان برای مصرف در ۵ سال دیگر نگهداری کرد. چرا که امکان تهیه و نگهداری برای مدت طولانی وجود ندارد ضمن اینکه نمی توان نانوایان جوان را آموزش داد که بتوانند نان را در زمان حال تهیه کنند و در آینده بفروشند.

روش ذخیره گذاری<sup>۱</sup> می تواند این امکان را مهیا کند که افراد با پس انداز درآمدهایشان بتوانند کالای تولیدی بوسیله نسل جوان آتی را خریداری نمایند از طریق سیستم ارزیابی سالیانه<sup>۲</sup> افراد بخشی از چیزی را که در حال حاضر تولید می کنند با شراکت در تولید کالاها به وسیله سایرین در آینده مبادله می نمایند ( نگاه کنید به بار ۱۹۹۳، اینود ۱۹۹۵).

### - مزایا و معایب نقش دولت در ارائه مستمری

اگر چه نقش دولت در ایجاد مکانیزم ارائه مستمری بازنشستگی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است اما همه آنها در تعدادی از کل برنامه های این حوزه مشترک هستند. اغلب طرح های عمومی یک سطح مزایای کف را به سالمندان در قالب مزایای غیرنقدی و بیمه درمان ارائه می نمایند. چنین برنامه هایی معمولاً تور ایمنی<sup>۳</sup> نامیده می شوند. دولت در این حوزه با این توجیه که طرح های بازنشستگی عمومی مشکلات جدی اقتصاد را در جهت رفتار عادلانه و کارا در مقایسه با بخش خصوصی حل می کند، حضور می یابد.

یکی از مشکلات موجود در صورت نبود طرح های عمومی و اقدام افراد به صورت فردی، ضعف نظام های اطلاعاتی است. افرادی که شخصاً اقدام به پس انداز و سرمایه گذاری می کنند باید هزینه بالاتری را در مقایسه با حالتی که تحت پوشش یک طرح عمومی قرار می گیرند، تقبل نمایند.<sup>۴</sup>

ضعف در اطلاعات، تقاضای فردی را برای بهره مندی از مزایای پوشش، ضعیف و ناکافی کرده و منجر به برداشت نادرست از طرح های تامین اجتماعی شده است. به عنوان مثال ذهنیت در خصوص دوران بازنشستگی، این است که اتفاقات آتی ناچیز به شمار می آید. این رفتار نزدیک بینی<sup>۵</sup> نامیده می شود. ( نگاه کنید به تامسون<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶ یا ماسون، ۱۹۹۶)

وجود یا حضور موانع اجباری مانع پشیمانی افراد در آینده به دلیل وجود معیارهای مناسب برای دوران - بازنشستگی توسط موسسات عمومی که می توانند سطح رفاه افراد را ارتقا دهند، فراهم می آورد.

مداخله دولت در ایجاد سیستم های درآمد بازنشستگی به وسیله ریسک انتخاب نامطلوب<sup>۷</sup> ( Adverse

selection ) که بیمه های سالمندی در مقایسه با قوانین حاکم بر بازار با آن مواجه هستند توجیه می شود. حضور دولت توسط موسسات عمومی بازنشستگی اجباری که مزایای همگانی ارائه می دهند می تواند این مشکل را کاهش دهد.

وجود طرح های بازنشستگی اجباری، از مشکل سواری مجانی<sup>۸</sup> که برای موسسات خصوصی ایجاد می گردد؛ نیز می کاهد. ( نگاه کنید به نظر نویسنده در خصوص شکست بازار ).

شواهد زیادی وجود دارد که اگر افراد جوان در صورتی که باور نمایند که نرخ مالیات ( حق بیمه ) برای حمایت از آنها در برابر فقر در دوران سالمندی افزایش یافته، از تمایل آنها جهت پس انداز کافی برای دوران بازنشستگی شان خواهد کاست. در ادامه باید گفت که در یک طرح بازنشستگی ملی برای کارگران، لازم است تا تعدادی به این طرح ها پرداخت صورت گیرد تا این امکان بهره مندی از مزایای آتی مهیا گردد. این پرداخت به کاهش سوبسید های بین نسلی در صورت فقدان این مکانیسم، می انجامد. از این منظر ما می توانیم تعریف مجددی از عوارض جانبی که قبلاً مطرح شده ارائه نمائیم. در یک مدل دو نسلی که در هر نسل

<sup>۱</sup> . Funding method

<sup>۲</sup> . Pay as you go

<sup>۳</sup> . Safty Net

<sup>۴</sup> - به منظور ملاحظه مثالهای واقعی نگاه کنید به میشل و بودی ( Mitchel و Bodie ۱۹۹۶ ).

<sup>۵</sup> . Myopic

<sup>۶</sup> . Thompson

<sup>۷</sup> - انتخاب نامطلوب در هنگامی روی میدهد که برخی از افراد از ریسک بالاتری نسبت به سایرین برای بیمه دارند. وارد سیستم می شوند این به این معنا است

که افراد پر ریسک تر جذب سیستم می شوند و این یک تهدید برای شرکت بیمه ای محسوب می شود.

<sup>۸</sup> . Free – Rider

یک مصرف کننده وجود دارد در دوره اول زندگی ( دوره فعال )، این نماینده در معرض عوارض جانبی ناشی از نسل قبل ( بازنشستگان ) قرار می گیرد و وقتی همین نماینده به سن بازنشستگی می رسد در معرض عوارض جانبی ناشی از رفتار نسل جوان قرار خواهد گرفت. ( نگاه کنید به کرس و گیگلینو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳ )

این اثرات می تواند به وسیله توزیع حقوق که کیفیت تغییر عوارض جانبی را سنجش می کند؛ تنظیم گردد. اگر چه در مباحث بالا دفاعی از ضرورت حضور دولت در ارائه مزایای بازنشستگی صورت گرفته اما تعریفی در خصوص چگونگی سیستم بازنشستگی عمومی و همچنین چگونگی تنظیم مزایا صورت نگرفته است.

در بعضی از کشورها، دولت ایجاد و مدیریت بخش قابل ملاحظه ای از درآمد سیستم های بازنشستگی را به کارفرمایان واگذار می کند و در برخی دیگر از کشورها این سیستم ها به وسیله یک سازمان مرکزی اداره می شود.

در بریتانیای کبیر، کارفرمایان و اتحادیه اصناف تشویق به ارتقای طرح های بازنشستگی خصوصی اجباری برای تامین درآمد بازنشستگی می نماید و طرح های تامین اجتماعی عمومی در سطح تور ایمنی فعالیت می کنند.

در سایر کشورها نظیر فرانسه و ایتالیا درآمد جایگزینی پایه به مجرد بازنشستگی به وسیله طرح های تامین اجتماعی پرداخت می شود و فضای محدودی هم برای صندوقهای بازنشستگی خصوصی باقی می ماند.

در کشور شیلی خانواده ها و افراد می توانند از حق انتخاب میان صندوق های بازنشستگی خصوصی مختلفی که وجود دارد ( مدیریت صندوق های مستمری<sup>۲</sup> ) برخوردار گردند. ( نگاه کنید به گیلیون و بونیللا<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲ ) هر کارکن ۱۰ درصد از دستمزد اعلام شده را به عنوان حق بیمه به منظور بهره مندی از مزایای بازنشستگی پرداخت می کند و دولت و کارفرما پرداختی به این صندوقها نخواهند داشت.

مطالبی که ذکر شد مجموعه دلایل مثبت برای حضور دولت در ایجاد و مدیریت طرح های مستمری با توجه ریسک قابل توجهی است که در سیاست گذاری این طرح ها وجود دارد. اما نکته ای که در اینجا باید به آن اشاره کرد؛ وجود ریسک هایی در دل این طرح ها است که تاکنون در بعضی از کشورها لحاظ نشده اند، یکی از مهمترین این ریسک ها تورم است.<sup>۴</sup> به عنوان مثال در کشور ونزوئلا بعضی از محققان تخمین می زنند که کاهش ارزش دفتری در مزایای بازنشستگی طی سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۲ به ۸۰ درصد رسیده باشد ( نگاه کنید به میشل و بودی<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶ )

در سایر کشورها نیز وضعیت به همین منوال بوده، به ویژه در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی که دوران گذار خود را طی می کنند، مشکل تورم یکی از مشکلات اصلی شاغلین دوران قبل ( بازنشستگان فعلی ) به خاطر مزایای بازنشستگی آنان است ( نگاه کنید به کرال<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶ )

مطالب گفته شده در اینجا را نمی توان در انزوا و به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد و در واقع بخش بزرگتر این مشکل از یک خطای ذاتی در مدیریت کلان جهانی منتج شده است.

از دیگر ریسک هایی که سیستم های مستمری عمومی با آن مواجه هستند؛ تمایل تصمیم گیران به حضور در عرصه سرمایه گذاری است و دارایی ها به صورت سودمند بر اساس شاخصهایی که علی القاعده جنبه های اجتماعی آن بیشتر از جوانب اقتصادی آن است به سرمایه گذاری اختصاص می یابند. ترکیب این ریسک ها به تفاوت میان کشورها در نرخ سرمایه گذاری در

<sup>۱</sup> . Ghigliano

<sup>۲</sup> . Administradoras de Fondos Depensiona

<sup>۳</sup> . bonila and Gillion

<sup>۴</sup> - ۳ در اینجا منظور این نیست که دولت از موقعیت کمتری در مقایسه با صندوقهای بازنشستگی خصوصی در رابطه با تورم و سطح مزایای پرداختی برخوردار است. اما به سادگی می توان گفت که دولت به منظور تضمین ترمیم مستمریها باید تصمیماتی بگیرد که این یک تعداد گزینه های سیاست گذاری را شامل می گردد.

<sup>۵</sup> . Bodi and Mitchell

طرح های عمومی را نشان می دهد به عنوان مثال طی سالهای ۱۹۸۰ سرمایه گذاری طرح های مستمری ملی در ترکیه از نرخ واقعی در حدود منفی ۲۴ درصد و در پرو ۳۷ درصد برخوردار بود. در همین سال طرح های مستمری شغلی انگلستان از نرخ بازدهی سرمایه گذاری مثبت ۸ درصد برخوردار بود و در همین سال سیستم مستمری خصوصی شیلی از نرخ بازدهی ۹ درصدی برخوردار بود.<sup>۱</sup>

به هر حال به منظور بررسی وضعیت عملکرد و موفقیت سرمایه گذاری در طرح های مستمری و با ترکیب مختلف دولتی و خصوصی نیاز به مطالعه عمیق تری است.

### اصلاحات مستمری بازنشستگی، پس انداز و رشد اقتصادی

همان طور که تام بوری ( Tam buri ) در سال ۱۹۹۶ در تحلیل قابل توجه خود بیان کرد، در بسیاری از کشورهای اروپایی طرح های مستمری در ابتدا به صورت ارزیابی سالیانه عمل می نموده و در این سیستم ها ارتباط میان تعادل مالی رشد اقتصادی از یک سو و عدم ثبات ساختار جمعیتی از سوی دیگر تمایل<sup>۲</sup> کشورها برای انجام اصلاحات را افزایش داد. البته هدف از انجام اصلاحات افزایش سطح پس انداز بازنشستگی به صورت فردی یا جمعی بود.<sup>۳</sup>

گفتنی است در آن زمان طرح های مستمری بازنشستگی توسط بانک جهانی مورد انتقاد قرار گرفت ( نگاه کنید به بانک جهانی ۱۹۹۴ ) و این انتقاد سرانجام به توزیع مجدد درآمد به سود گروههایی که از بیشترین درآمدهای بادآورده و پائین ترین نرخ مرگ و میر برخوردار بودند، انجامید.

انتظار می رفت که سود طرح های بازنشستگی مبتنی بر سرمایه گذاری بتواند نرخ رشد اقتصادی را افزایش دهد که البته طرفداران اصلاحات در این خصوص اغراق می کردند.

تجربه کشورها گواه این واقعیت است که ارتباط معنی داری میان رشد اقتصادی و تجمیع پس اندازها بر اساس طرح های مبتنی بر اندوخته گذاری وجود ندارد و این موضوع را نباید فراموش کرد<sup>۴</sup> ( برای مطالعه این مطلب نگاه کنید به بوتار، ۱۹۹۴ ).

### پس اندازهای بازنشستگی، سرمایه گذاری و رشد

بانک جهانی در گزارش سال-۱۹۹۴ خود بیان می کند که یک رابطه موثر، مثبت و معنادار میان پس اندازهای بازنشستگی فزاینده، توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی وجود دارد. این ادعا بسیار دور از آراء عمومی و توافق همگانی است. در واقع تعدادی از نویسندگان، برای مثال سینگ (۱۹۹۶-) نشان داده اند که در حالت عادی صندوق های بازنشستگی برای توسعه بازارهای مالی نه لازم و نه کافی هستند و در واقع وجود یک رابطه مثبت میان توسعه بازارهای سرمایه و رشد اقتصادی در هاله ای از ابهام قرار دارد.

مطالعات دیگری که قبل یا بعد از گزارش بانک جهانی منتشر شده اند نیز نشان می دهند که در بسیاری موارد برنامه های پس اندازهای بازنشستگی اثر مثبت معناداری بر سطح پس اندازها نداشته ( برای مثال نگاه کنید به کارترایت ۱۹۸۴، یا منابع ارائه شده توسط سینگ ۱۹۹۶ )، و تنها در چند مورد برنامه های پرداخت ارزیابی سالانه تامین اجتماعی مقدار کل پس اندازهای فردی را

<sup>۱</sup> - اطلاعات مربوط به نرخ بازدهی واقعی از میشل و بودی (Bodie و Mitche) می باشد.

<sup>۲</sup> - به علت کاهش سریع نرخ مرگ و میر همراه با افزایش امید به زندگی، حفظ تعادل در دهه گذشته غیر ممکن بود.

<sup>۳</sup> - فرانسه، ایتالیا و اسپانیا مثالهای این مورد هستند.

<sup>۴</sup> - مطالعه تامبوریس ( Tam buris ) در ۱۵ کشور اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۶ نشان داد که اگر چه کارفرمایان در عمل با حذف مالیات طبق برنامه

اصلاحات سود می کنند و کماکان تمایل به حذف طرح های مستمری بازنشستگی عمومی دارند؛ ولی یک سوال باقی می ماند و آن اینکه میزان واقعی حق بیمه های اجتماعی چه مقدار است و چه مقدار آن از طریق افزایش در قیمت توسط مصرف کنندگان قابل جبران است. به نظر می رسد این مطلب تا کنون مدنظر محققان قرار نگرفته است و به نظر نویسندگان اثر روانی چنین تصمیمات سیاستی برای مشارکت کنندگان بیشتر از اثر اقتصادی واقعی آن است.

کاهش داده است. این یافته ها این سوال را ایجاد می کند که آیا تلاش برای افزایش نرخ رشد اقتصادی کشور از طریق افزایش پس اندازهای بازنشستگی عاقلانه است و اگر هدف افزایش سطح انباشت سرمایه است در این صورت منابع باید از طریق ابزارهای مناسب تری به کار گرفته شوند.

### نقش دولت و تئوری های جدید رشد

چنانکه در بالا بیان شد تئوری رشد نئوکلاسیک، به طور کلی نقش دولت بر رشد اقتصادی، را مورد بی توجهی قرار می دهد و مطابق با آن سیاستهای اقتصادی نمی تواند اثر قابل توجهی بر نرخ رشد داشته باشد به استثنای زمانی که اقتصاد در گذار به سوی یک تعادل بلند مدت باشد. مهمترین مدل رشد نئوکلاسیکی مدل سولو است ( برای جزئیات بیشتر از این مدل برای مثال به بوتار ۱۹۹۰ نگاه کنید ) که توسط معادله زیر ارائه می شود:

$$((L و ۱) Q = K(A))$$

در این معادله Q نشان دهنده تولید و K و L به ترتیب سرمایه و نیروی کار را نشان میدهند و A شاخص پیشرفت تکنیکی است که دربردارنده پیشرفت های علمی، آموزشی و دیگر عواملی است که آشکارا در معادله ظاهر نمی شوند. در چارچوب تئوری نئوکلاسیکی، تغییرات A برونزا است. به منظور تاکید بر نقش دولت و دیگر عناصری که در مخالفت با فرضیه برونزایی شاخص پیشرفت تکنیکی مطرح می باشند، طرفداران تئوری های جدید رشد یا تئوری های رشد درونزا پیشنهاد فرمول بندی مجدد و توصیف دوباره معادله ( ۱ ) را دادند، آنها معتقدند که:

$$(Lj و k و ۲) AF = QJ (A)$$

QJ و KJ و LJ به ترتیب همان متغیرهای معادله ( ۱ ) می باشند، که در سطح بنگاه J مطرح می شوند ، AJ نتیجه تحقیقاتی است که بر عهده بنگاه J است و A به عنوان انواع متفاوت دانشی است که به طور کلی ممکن است توسط بنگاه J مورد استفاده قرار گیرد. ( برای توضیحات بیشتر به بوتار ۱۹۹۷ نگاه کنید )، A ممکن است توسط عوامل AJ تحت تاثیر قرار گیرد، یا همینطور زیر ساخت های اجتماعی ممکن است که هزینه زیربنایی بهره وری سرمایه در سطح کلان را افزایش دهد و بنابراین می تواند اثر جانبی مثبت برای شرکت های متفاوت ایجاد نماید . اثر جانبی وجود دارد بدلیل اینکه در بهینه یابی آن، یک بنگاه انباشت سرمایه عمومی را که در آن مشارکت دارد ، به حساب نخواهد آورد.

برخی نویسندگان معتقدند که شناسایی مزیت های ممکن انتقال از سیستم پرداخت ارزیابی سالانه به سیستم مستمری مبتنی بر ذخیره گذاری به کمک مدل های تئوری رشد درونزا نسبت به تئوری های رشد نئوکلاسیک آسان تر است. همانگونه که قبلاً نیز بیان شد، در یک مدل رشد درونزا متغیر رشد تکنیکی A ( نگاه کنید به معادله ( ۲ ) ) توسط عوامل خارجی همانند هزینه مخارج زیربنایی و آموزشی تحت تاثیر قرار می گیرد، که با انتقال از سیستم ارزیابی سالانه به ذخیره گذاری تغییر نمی کند. ممکن است ( برای مثال به هولزمن ۱۹۹۴ ) که این متغیر از طریق توسعه بازارهای مالی تحت تاثیر قرار بگیرد، که اجازه رشد بهره وری سرمایه را ممکن می سازد اما چنانکه پیشتر نشان دادیم ( به تحلیل سینگ ۱۹۹۶ نگاه کنید ) شواهد تجربی قابل مشاهده ای وجود ندارد که واقعاً این فرضیه را تأیید نماید. می توان گفت که جامعه آکادمیک و برخی نهادهای تحقیقاتی در تئوریهای رشد جدید پارامترهایی را بر مبنای دخالت های دولت مد نظر قرار داده اند ( نگاه کنید به مالیتور ۱۹۹۷ )، مدلهای جدید رشد برنقش برنامه ریزان، شکست های بازار، نقش تحقیق و توسعه، اهمیت زیر ساخت عمومی، آموزشی و یادگیری و مانند آن تاکید می کنند.

### نیازهای اجتماعی و نقش دولت: یک تحلیل تجربی از روندهای مشاهده شده.

تحلیلی که در زیر ارائه می شود در ابتدا می کوشد تا ضمن جامع بودن، بر اساس داده های موجود و نسبتاً قابل قیاس در چندین کشور، روندهای اخیر تغییرات سهم دولت در پوشش نیازهای اجتماعی ( تولید کالاهای عمومی و باز توزیع ثروت) را نشان دهد در این مبحث نمونه آماری شامل تکامل تدریجی جمعیت فعلی کشورهای OECD بوده و سوال این است که مخارج تامین اجتماعی چگونه بر رشد اقتصادی اثر می گذارد.

### مقایسه سهم دولت و نیازهای اجتماعی در تعدادی از کشورها

در دو سه دهه پس از جنگ جهانی دوم اقتصاددانان و سیاستمداران در بسیاری از کشورهای ویران شده غربی، نه تنها به وظیفه بازسازی دولت در بخشهایی هم مانند آموزش یا تامین اجتماعی اعتقاد داشتند بلکه در امر تولید نیز چنین نقشی را برای دولت قائل بودند. پس زمینه این مباحث نیز افزایش بدبینی نسبت به ظرفیت بازار برای ایجاد تغییرات اقتصادی بود - البته در مناطق مختلف جهان قضاوت ها متفاوت بود - پس از آن در یک گام مطلوب حرکت فکری دیگری بوجود آمد، تعداد زیادی از اقتصاددانان و سیاستمداران به سمت دولت حداقل و خصوصی سازی گرایش پیدا کردند، اجازه دهید این نکته را یادآور شویم که حتی اگر ما بر اساس تجربه بررسی های تئوریک متفاوت بپذیریم که نقش دولت باید در زمینه تولید به طور معناداری کاهش یابد، اما این موضوع برای بخشهایی نظیر سلامت، آموزش یا محافظت اجتماعی کاربرد ندارد. اگر ما به این فهرست کارکردهای اجرایی پایه ای، برقراری نظم، عدالت و دفاع را اضافه نمائیم، در می یابیم که در مورد سهم کاملاً معناداری از تولید ناخالص داخلی صحبت می کنیم.

تحلیل زیر از بار مالی دولت و توضیحات آن به طور تجربی بر اساس دو جدول از داده های کشورهای اتحادیه اروپا قرار دارد: جدول (۱) توسعه ظرفیت های مالی دولت در پوشش برنامه ها را نشان می دهد، و جدول (۲) نشان دهنده رابطه میان منابع مالی دولت و نیازهایی است که باید توسط دولت پوشش داده شود. (نگاه کنید به پلاگنت و کونکالدی، ۱۹۹۵ بر اساس این روش) در اینجا نیازهای اجتماعی (برای تعریف به زیرنویس ۱ نگاه کنید) مد نظر است، مفهومی که می خواهیم به طور آماری با اندازه جمعیت غیرفعال ارائه دهیم، گرچه این ارائه ناقص است اما در عین حال مفید خواهد بود اگر ما آن را با پیوندی که میان کاهش های اجباری و نیازهای جمعیت غیر فعال ربط دهیم، آنها تامین مالی می کنند (بویژه آموزشی و محافظت اجتماعی).

جدول ۱. تغییر در درآمد نهادهای عمومی کشورهای منتخب اتحادیه اروپا (به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی)

کشور	مالیان و حق بیمه های اجتماعی			کل در آمد دولت			درآمد دولت مرکزی		
	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۳	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰
کشور	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۳	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰
آلمان	۴۰.۷	۴۰.۷	۳۹.۰	۴۱.۵	۴۱.۶	۳۹.۹	۲۱.۸	۲۱.۲	۲۰.۱
بلژیک	۴۳.۶	۴۶.۹	۴۵.۷	۴۴.۸	۴۸.۲	۴۵.۱	۲۸.۹	۲۹.۴	۲۶.۸
دانمارک	۴۴.۸	۴۸.۱	۴۷.۴	۴۵.۴	۴۹.۰	۴۸.۳	۳۰.۴	۳۳.۰	۳۱.۲
اسپانیا	۲۵.۴	۳۰.۰	۳۲.۷	۲۵.۴	۳۰.۰	۳۳.۴	۱۱.۳	۱۴.۰	۱۸.۷
فرانسه	۴۱.۱	۴۳.۷	۴۳.۹	۴۱.۷	۴۴.۵	۴۳.۸	۲۰.۳	۲۰.۵	۱۹.۵
هلند	۴۵.۴	۴۴.۳	۴۸.۰	۴۶.۶	۴۵.۶	۴۵.۳	۲۶.۴	۲۲.۷	۲۶.۰
انگلستان	۳۴.۸	۳۷.۲	۳۳.۶	۳۵.۶	۳۸.۱	۳۵.۰	۲۴.۹	۲۶.۳	۲۷.۱

منبع: یوروستات<sup>۱</sup> (۱۹۹۲)، به استثنای داده های ۱۹۹۳ که از کاستل (۱۹۹۶) گرفته شده است.

<sup>۱</sup> Eurostat (1992), except for the 1993 data which have been taken from Castel (1996).

داده های جدول یک توسعه درآمد بخش عمومی ( به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی ) را از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۳ در برخی کشورهای اتحادیه اروپا نشان می دهد.

نتیجه مهمی که می توان از این جدول استخراج نمود این است که در الگوهای عملی سهم بخش عمومی در طی دوره مورد بررسی علی رغم تلاش های مستمر برای کاهش حجم دولت کاملاً ثابت مانده است.

نمودار یک این ثبات را نشان می دهد، از این نمودارها چنین استنباط می شود که تغییرات هزینه دولت مرکزی ( به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی ) در کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه یا در حال گذار با نوسان ناچیزی روبرو بوده است.

جدول (۲) از روش شناسی پیشنهادی توسط پلاگنت و کونکالوی ( ۱۹۹۵ ) پیروی می کند و یک ارزیابی همزمان از سطح نیازهای اجتماعی و میزانی پوشش آنها توسط بخش عمومی را ارائه می دهد (می توانیم به طور موثر برای بی توجهی به ارزش مالیات های اجباری و در عوض مشخصات کشورهای متفاوت با توجه به مخارج نیازهای عمومی ارضا شده تلاش کنیم). مخارج تامین اجتماعی و آموزش عمومی در کشورهای اتحادیه اروپایی از طریق سه چهارم نوع مالیات اجباری تامین می شود ( نگاه کنید به پلاگنت و کاندولاکی ۱۹۹۵ ).

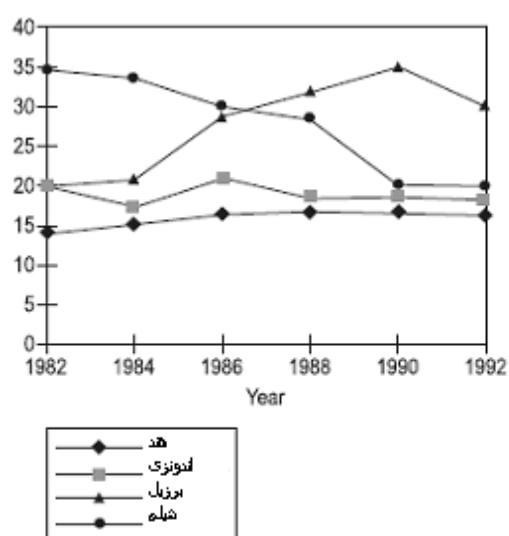
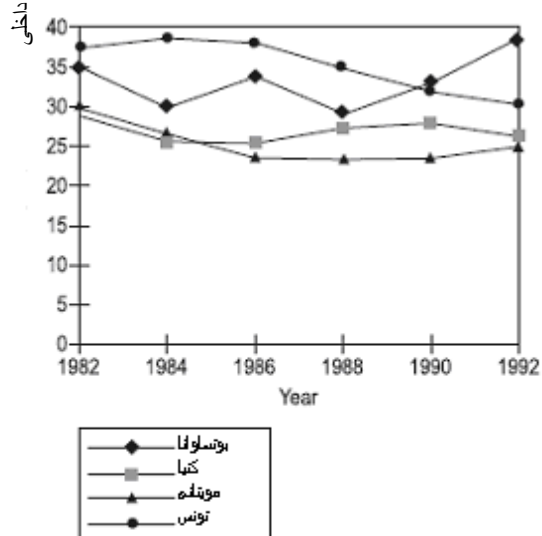
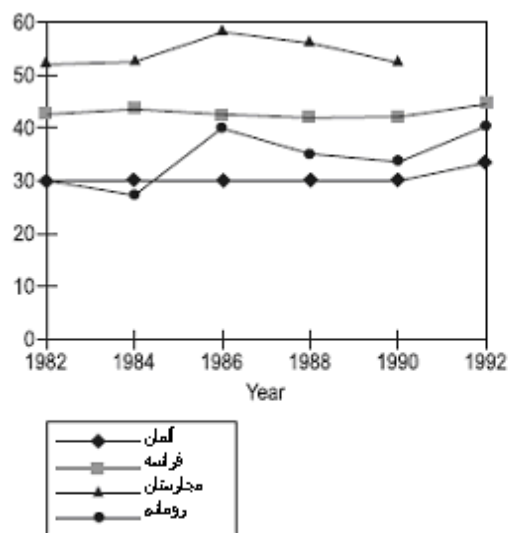
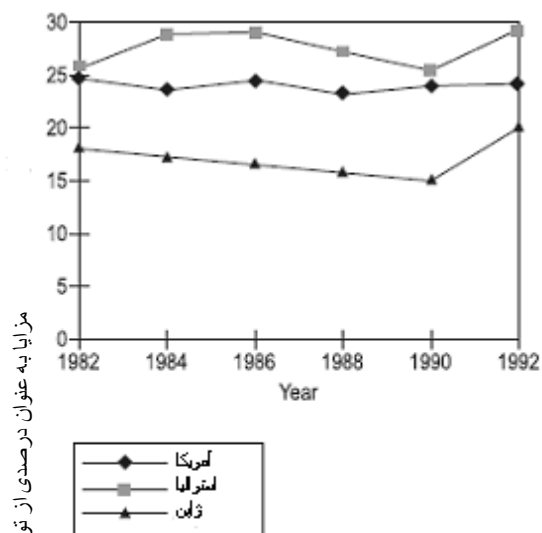
نمودار ۱. مخارج سازمان های مرکزی

---

a In the Eurostat system of accounts, total government income comprises tax and social contributions and the income of European Union institutions.

b The data in this column for Germany, Denmark and Spain are for 1990.

c As in all the other tables produced in this paper, we here refer to former West Germany.



Source: IMF, 1992, 1995, 1996.

تا جایی که کاهش های ( مالیات و حق بیمه های اجتماعی ) اجباری از درآمد جمعیت اقتصادی ناشی می شود، به طور اساسی برای تامین مزایای یا خدمات مالی برای آنهایی که غیرفعال هستند؛ همبستگی معناداری میان کاهش های اجباری و جمعیت

غیرفعال<sup>۱</sup> اقتصادی، اشخاصی که در یک فعالیت درآمدزا مشغول به کار نبوده اند؛ وجود دارد. این جمعیت شامل گروه های سنی جوانان (زیر ۱۵ سال) و سالمندان (بالای ۶۴ سال) بعلاوه بیکاران می باشد، با تقسیم این جمعیت غیرفعال به کل جمعیت هر کشور شاخصی (به صورت درصدی) از نیازهای اجتماعی همه کشورها به دست می آید که نتایج این محاسبات در جدول ۲ آمده است. با تقسیم میزان کاهش های اجباری (مالیات ها و حق بیمه های اجتماعی) که در جدول (۱) آمده بر این شاخص و ضرب نتیجه در ۱۰۰، ما شاخصی از سطح پوشش نیازهای اجتماعی توسط دولت به دست می آوریم. این تنها مسیری است که شاخص های توصیفی می توانند بهبود یافته و مورد قبول قرار گیرند.

جدول ۲. سطوح نیازهای اجتماعی و پوشش آنها توسط دولت

شاخص سطح پوشش نیازهای اجتماعی توسط دولت		شاخص نیازهای اجتماعی		
۱۹۹۳	۱۹۸۵	۱۹۹۳	۱۹۸۵	کشور
۱۱۴.۷	۱۱۸.۰	۳۴.۰	۳۴.۵	آلمان
۱۲۱.۵	۱۲۶.۴	۳۷.۶	۳۷.۱	بلژیک
۱۲۷.۱	۱۲۵.۹	۳۷.۳	۳۸.۲	دانمارک
۷۹.۴	۶۶.۷	۴۱.۲	۴۵.۰	اسپانیا
۱۰۵.۳	۱۰۵.۸	۴۱.۷	۴۱.۳	فرانسه
۱۳۶.۰	۱۲۳.۱	۳۵.۳	۳۶.۰	هلند
۸۱.۶	۹۱.۲	۴۱.۲	۴۰.۸	انگلستان

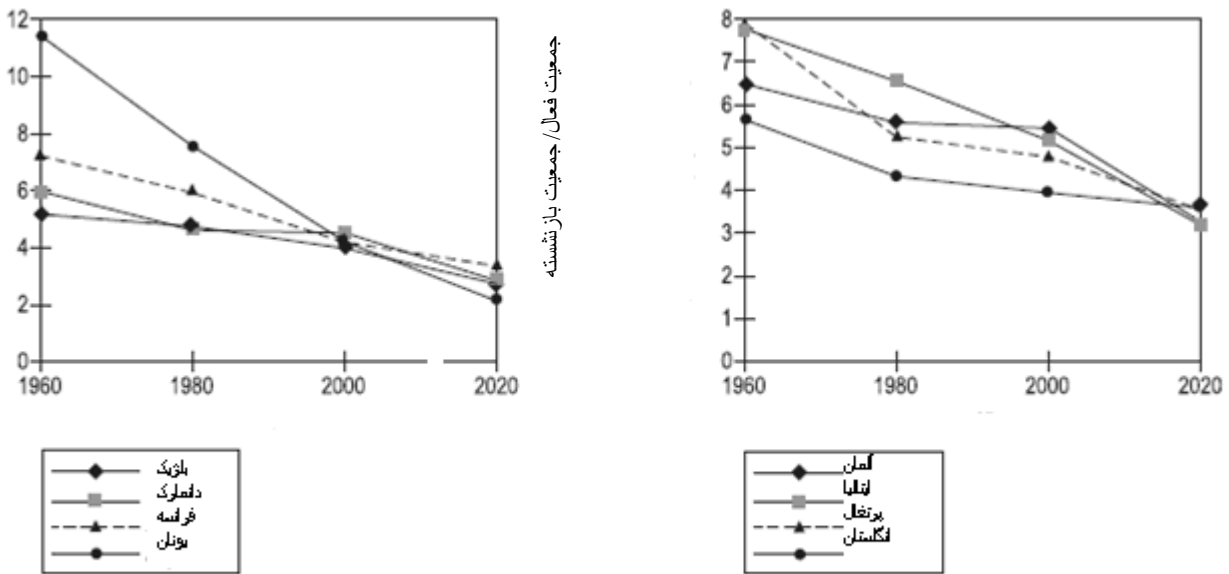
منبع: داده های جمعیتی مورد استفاده محاسبات نویسندگان در کنفرانس اروپا و داده های کاهش های اجباری داده شده در بالای جدول (۱)، برای روش شناسی نگاه کنید به پلانکت کانکیدی (۱۹۹۳)

مقایسه داده ها در جدول ۲- نشان می دهد که در گروهی از کشورها شاخص پوشش نسبتاً بالاست مانند هلند، دانمارک و بلژیک، در حالیکه در کشور آلمان به عنوان مثال شاخص پوشش متوسط است. در فرانسه سطح کاهش های اجباری تقریباً با نوع نیازها برابر است، که در مقایسه با سایر کشورهای موجود در جدول این سهم بالاست. از سوی دیگر دو کشور هستند (انگلیس، اسپانیا) که مخارج اجتماعی جاری آنها به طور قابل توجهی پایین تر از متوسط کشورهای دیگر است، بنابراین می توان نتیجه گیری کرد که نقش انسجام خانوادگی یا منابع خصوصی در این دو کشور نسبتاً مهم می باشد.

از ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۳ (یا ۱۹۹۰، به صورت موردی) شاخص پوشش نیازهای اجتماعی توسط دولت در سایر کشورها کاهش یافته است، به استثنای دانمارک، اسپانیا و هلند - حتی مشاهده می شود که در هلند این شاخص افزایش یافته است. این نتایج نشان می دهد که موقعیت کشورها بر اساس شاخص منتخب، سطح نسبی مالیاتهای اجباری یا یک شاخص پیشرفته که می تواند همزمان با نیازهای مطلوب ارضاشده باشد، تغییر کرده است. به عنوان مثال تشابهی آشکار میان بلژیک و فرانسه با توجه به سطح کاهش های اجباری وجود دارد که تفاوت های واقعی را در پوشش نیازهای اجتماعی موجود توسط دولت ایجاد می کند.

<sup>۱</sup> . Inactive

نمودار ۲. نسبت جمعیت فعال به بازنشسته



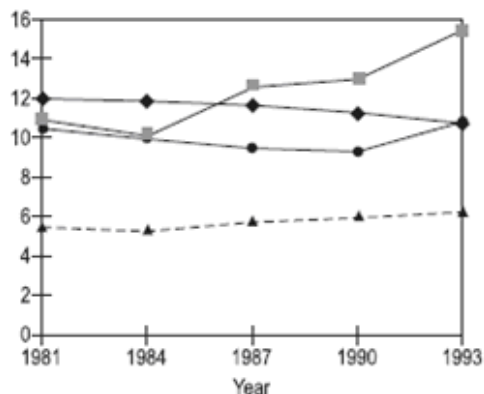
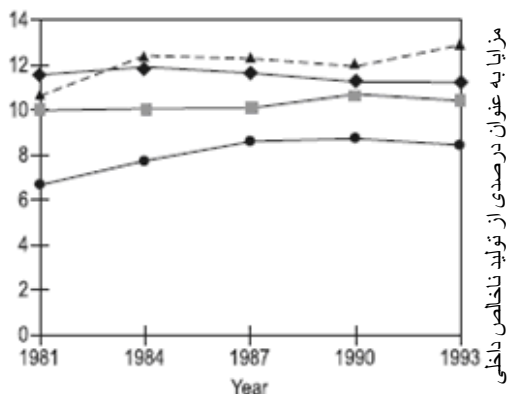
Source: Data and estimates from OECD, 1994.

قبل از نتیجه گیری در این بخش در مورد سطح نیازهای اجتماعی و پوشش آن باید یادآوری نمائیم که اخیراً مطالعه ای در مورد استاندارد زندگی افراد بازنشسته در چند کشور سازمان همکاری و توسعه اقتصادی انجام شده است ( نگاه کنید به هوسر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷ ) که چهار نتیجه جالب توجه را ارائه میدهد. این مطالعه نشان می دهد که در انگلیس افراد بازنشسته - که یکی از گروه های بررسی شده را تشکیل می دهند، در مقایسه با دیگر کشورهای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی از استاندارد زندگی نسبتاً پایینی برخوردارند ، در حالیکه استاندارد زندگی افراد بازنشسته در اسپانیا نسبتاً حسرت آور است. اما مطابق با شاخص ( جدول ۲ ) ، اسپانیا همانند انگلیس در میان کشورهای اروپایی که دولت پوشش نیازهای اجتماعی نسبتاً کمی دارد قرار می گیرد، یکی از فروزی که می تواند در توضیح این تفاوت کمک کند این است که در یک درآمد قابل قبول ، افراد بازنشسته اسپانیا بیش از مردم انگلیس در انسجام خانوادگی یا مدیریت های خصوصی فعال هستند؛ فرض دیگر که به طور بالقوه بیشتر قابل قبول می باشد این است که نسبت بالاتری از دریافتی های پراکنده از طریق مالیات و حق بیمه های اجتماعی برای تامین درآمد افراد بازنشسته در اسپانیا به کار گرفته می شود. نتایج مطالعه هوسر همچنین نشان می دهد که بازنشستگان در هلند از یک استاندارد زندگی نسبتاً بالا برخوردارند و فرانسه در سطح متوسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی قرار دارد. شواهد با نتایج ما در تناقض است، اما در مقابل ما باید این حقیقت را بدانیم که مطالعه موسر تنها به مزایای فراهم شده توسط نهادهای عمومی مربوط نمی شود و از سوی دیگر ما در محاسبات خود نه تنها افراد بازنشسته بلکه نیازهای اجتماعی را مورد بررسی قرار داده ایم.

<sup>1</sup> . Hauser

نمودار ۳. مزایای مستمری (بازماندگان و سالمندان)

مزایا به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی



Source: Eurostat, 1997.

### سالمندی جمعیت، تغییر در مزایای مستمری و رشد اقتصادی

بسیاری از کشورهای در حال توسعه در دهه های گذشته با کاهش معناداری در نرخ باروری و افزایش شدیدی در امید به زندگی روبرو بوده اند و در نتیجه ساختارهای جمعیتی آنها با توجه به شواهد موجود در خصوص مخارج تامین اجتماعی کاملا متفاوت از آن چیزی است که پیش از آن بود.

نمودارهای شکل ۲ تغییرات مشاهده شده در نسبت جمعیت فعال به بازنشسته را در فاصله سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ برای برخی از کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و همچنین برآوردی از این نسبتها را برای سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۰ نشان می دهند. برای مثال می بینیم که ژاپن از حدود ۱۲ فرد فعال به ازای یک بازنشسته در ۱۹۶۰ به نسبت بیش از ۲ فرد فعال بری هر بازنشسته در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید.

این پدیده کاهش معنادار در نسبت جمعیت فعال به بازنشسته با کمی نوسانهایی در کل کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی مشترک می باشد. در کشورهای در حال توسعه سالمندی جمعیت کندتر است و به طور متوسط حتی در سالهای آغازین قرن بیست یکم جمعیت کشورهای آفریقایی از همه قاره ها جوانتر خواهند بود ( برای مثال نگاه کنید به فالتز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷).

<sup>۱</sup> . Fultz

جدول ۳. مخارج اجتماعی، هزینه برنامه بازنشستگی عمومی و رشد اقتصادی

نرخ رشد واقعی درآمد سرانه		مخارج برنامه بازنشستگی عمومی		مخارج اجتماعی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی			
۱۹۹۲-۱۹۶۰	۱۹۸۰-۱۹۶۰	(۱۹۹۳-۱۹۸۰)	(۱۹۸۰-۱۹۶۰)	۱۹۹۱	۱۹۸۰	۱۹۶۰	کشور
۲.۶	۳	۳.-	۲.۴	۲۸.۹	۲۵.۷	۱۸.۱	آلمان
۲.۴	۲.۸	.۸	۴.۵	۲۸.۴	۲۷.۴	۱۲.۳	دانمارک
۲.۸	۳.۵	۲	۵.۵	۲۷.۲	۲۲.۶	۱۳.۴	فرانسه
۳.۴	۳.۵	۳.-	۲.۰	۲۰.۸	۱۹.۲	۸.۷	ایرلند
۳.۲	۴.۱	۳.۶	۶.۵	۲۵.۰	۲۱.۲	۱۳.۱	ایتالیا
۲.۳	۲.۹	۷/۰	۷.۰	۲۹.۰	۲۸.۳	۱۱.۷	هلند
۱.۹	۲	۸/۰	۲.۳	۲۴.۰	۱۶.۴	۱۰.۲	انگلستان
۲.۱	۲.۶	-۱/۰	۱.۶	۱۲.۹	۱۲.۸	۷.۴	استرالیا
۳	۳.۸	۱.۴	۳.۹	۲۴.۵	۱۸.۹	۱۵.۸	اتریش
۲.۵	۳.۳	۱.۶	۱.۶	۱۸.۸	۱۱.۸	۹.۱	کانادا
۱.۸	۲.۱	۴/۰	۲.۸	۱۴.۶	۱۵	۷.۳	امریکا
۵.۱	۶.۲	۱.۴	۳.۱	۱۱.۶	۱۱.۹	۴	ژاپن
۲.۱	۲.۷	۲.۱	۶.۵	۳۳.۱	۱۶.۸	۱۰.۸	سوئد

منبع: لیندرت برای داده های نرخ های رشد تولید ناخالص داخلی و مخارج اجتماعی (نگاه کنید به سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۱۹۸۵)؛ کالچ و آمان (۱۹۹۷) برای داده های مخارج برنامه مستمری عمومی.

نمودارهای شکل ۳ تکامل تدریجی مزایای (سالمندان و بازمندگان) مستمری عمومی را به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در هشت کشور اتحادیه اروپا نشان می دهد. با توجه به این نمودارها در می یابیم که مزایای مستمری در تعدادی از کشورها به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی در دوره ۱۹۶۰-۱۹۸۰ تقریباً ثابت مانده است و تا بعد از شروع دهه ۱۹۹۰ نیز به طور معناداری افزایش نیافته است. این سهم ها در اکثریت کشورهای اتحادیه اروپا میان ۱۰ تا ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی می باشند (یونان و پرتغال استثنا هستند با یک سهم که بین ۶ تا ۸ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است). به طور کلی می توانیم بگوییم که مستمری ها در کشورهای اتحادیه اروپا با متوسط کمی بیش از ۵۰ درصد کل مخارج اجتماعی تناسب دارند (همچنین به داده های جدول ۳ نگاه کنید).

همچنانکه در بالا نشان داده شد، مساله برنامه های تامین اجتماعی، تعهدات مربوط به مزایای آینده می باشد، که در نتیجه سالمندی جمعیت ایجاد شده و فشار شدید بر این برنامه ها اعمال می کند و همین امر آنها را به یافتن راه حلی سریع مجبور می کند. مطابق با برخی مطالعات انجام شده (نگاه کنید به بانک جهانی، ۱۹۹۴) بهترین راه حل تشویق کشورها برای پذیرش ترتیبات مطلوب سیستم های مستمری بر اساس پس اندازهای اجباری همراه با مدیریت خصوصی صندوق است. در شرایط فعلی داده های قابل مقایسه بین المللی به منظور بررسی موضوع ایجاد صندوق مستمری های خصوصی وجود دارد. بر اساس نتایج مطالعه ای که توسط دیویس (۱۹۹۵) انجام شده است، در کشورهایی مانند فرانسه، سوئد و ایتالیا مسئولیت بیش از ۸۵ درصد از مزایای مستمری بر عهده دولت است درحالیکه در کشورهای نظیر ایالات متحده، انگلستان و استرالیا بخش خصوصی سهم نسبتاً زیادی (به ترتیب ۳۲، ۴۲ و ۳۷ درصد از کل مزایا) از مزایای مستمری را تحت پوشش قرار می دهد.

از سوی دیگر تمایل دارم به طور خلاصه به مباحثی که پیش از این مطرح شده (کارت رایت، ۱۹۸۴ یا هاجس، ۱۹۹۶) و در مطالعات مختلف مکررا به آنها ارجاع شده اشاره نمایم، بر اساس این مطالعات سطوح بالای هزینه های اجتماعی (که از طریق کاهش های اجباری تامین مالی شده است) با وجود برنامه های بازنشستگی دولتی مانع رشد اقتصادی خواهد شد. من برای کشف این حقیقت با استفاده از داده های جدول ۳ که مربوط به ۱۳ کشور سازمان همکاری و توسعه اقتصادی است، به صورت تجربی به بررسی این مساله پرداخته ام. این داده ها اغلب برای توصیف ترجیحات معینی به کار رفته که توسط برخی کشورها برای ترتیبات درآمدی بازنشستگی اتخاذ شده است و مربوط به کشورهایی است که بخش خصوصی در آنها سهم بزرگتری از برنامه های مستمری را برعهده دارد (نگاه کنید به، ۱۹۹۴).

بعد از مقایسه داده ها به چند روش کاملاً متفاوت مشاهده کردیم که رابطه معکوس آشکاری میان رشد اقتصادی و هزینه های اجتماعی وجود ندارد. اگر ژاپن را به عنوان نمونه در نظر بگیریم، خواهیم دید که این شواهد مشاهده نمی شود، ژاپن پایین ترین نرخ رشد اقتصادی را داشته در حالیکه برنامه های اجتماعی این کشور در میان کشورهای سخاوتمند قرار نمی گیرد. می توان همین استدلال را برای ایتالیا و انگلستان نیز مورد استفاده قرار داد. می توان گفت که اگر رابطه معکوس ذهنی مورد نظر در بالا تأیید می شد، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی انگلستان نباید خیلی نسبت به ایتالیا یعنی کشوری که هزینه های اجتماعی به عنوان بخشی از تولید ناخالص داخلی به طور معناداری بالاتر و سطح نسبی مخارج برنامه مستمری عمومی در طی دوره مورد بررسی سریعاً افزایش یافته است، پایین باشد. می توان همین بحث را برای فرانسه به جای ایتالیا و استرالیا به جای انگلستان نیز به کار برد. این نتایج توسط آزمون های اقتصاد سنجی متفاوت در سایر مطالعات (برای مثال بوتار، ۱۹۹۶) نیز تأیید می شود که در آن مطالعات هم این فرضیه که هزینه های اجتماعی و برنامه های مستمری عمومی اثر منفی معناداری بر رشد اقتصادی دارد، مورد تأیید قرار نمی گیرد.

### ملاحظات پایانی

بخش ابتدایی این مقاله به طور خلاصه به بررسی برخی از مباحث جاری در سراسر جهان در مورد پیشرفت معناداری می پردازد که توسط ایدئولوژی لیبرال در دهه های اخیر به دست آمده است. چشم اندازی تئوریک از نکات قابل مقایسه دولت و بازار در ارائه نیازهای اجتماعی مطرح شده و با بحثی پیرامون مستمری های بازنشستگی و ارزش های مورد احترام بازارها و دولتها در این زمینه دنبال شده است.

در بخش دوم مقاله، شواهد تجربی نشان می دهد که این مبحث که هزینه های مستمری عمومی و اجتماعی مانعی بر سر راه رشد اقتصادی هستند، به طور تجربی تأیید نمی شود. این شواهد تجربی همچنین نشان میدهد که در طی چندین سال اخیر سهم دولت از تولید ناخالص داخلی تقریباً ثابت بوده است و همین امر منجر به این نتیجه می شود که سیاستگذاران در بسیاری از کشورها نسبت به این موضوع آگاه هستند که بهترین رویکرد برای حل رفع مشکلات فعلی در کوچک سازی و به حداقل رساندن نقش دولت نیست، بلکه راه حل در بازتعریف اولویتها است و در همان حال تغییرات مقطعی باید مد نظر قرار گیرد. به پیروی از تجربه سایر محققین سعی نمودم تا به ارزیابی پوشش نیازهای اجتماعی توسط مراجع دولتی بپردازم و نتایج نشان داده اند که این رویکرد می تواند منجر به یک طبقه بندی کاملاً متفاوت از کشورها گردد.

بر اساس نقش دولت، این نقش مرتبط با حمایت از این ایده نیست که دولت باید یک بخش فعال در تولید کالاهای معمولی مانند اتومبیل ها و وسایل منزل باشد. در این زمینه دولت باید تنها سعی در ایجاد انگیزه و یک فضای رقابتی نماید. تضادی میان وجود همزمان یک دولت بسیار فعال در حوزه های سلامت، تامین اجتماعی و آموزش و یک بخش خصوصی پویا وجود ندارد. حتی باید یک

پیوند مثبت و قوی میان آن دو وجود داشته باشد. این نکته بسیار قابل تأسف خواهد بود اگر شیفتگی فعلی نسبت به بازار با کوچک سازی دولت منجر به به عدم حضور دولت در مسئولیت هایش در این زمینه ها گردد.

با توجه به مستمری ها بر اساس شواهد به نظر می رسد که هر دوی برنامه های خصوصی و عمومی ترتیبات مفیدی را ایجاد می کنند که می تواند برای رفع کامل انتظارات بازنشستگان به کار گرفته شود. این نکته مهم نیز باید در این خصوص یادآوری شود که اصلاحات انجام شده در بسیاری از کشورها انواع متفاوتی از ترتیبات؛ دولتی و خصوصی ارزیابی سالانه و ذخیره گذاری مزایا و حق بیمه های تعریف شده؛ را ترکیب می کنند ( نگاه کنید به مک گیلوری ، ۱۹۹۷). بنابراین هر کشوری با توجه به واقعیات خود باید زمان تعیین سهم هر یک از این ترتیبات را مشخص نماید.

با توجه به روش شناسی تحلیلی که در این مقاله بکار رفته است متوجه شدم که به برخی محدودیتها مربوط به این روش اشاره و برای شناسایی برخی از جوانب که می تواند به دقت و با جزئیات بیشتر در مطالعات دیگر مورد توجه قرار گیرد را شناسایی نمایم. اول از همه انجام یک مقایسه بین المللی مطلوب بر اساس شاخص های اکتشافی مانند آنهایی که من به پیروی از پلانگت و کونکالدی ( ۱۹۹۵ ) به منظور ارزیابی نیازهای اجتماعی مورد استفاده قرار داده ام، دشوار است. امیدوارم که سایر پژوهشگران از روشهای موجود برای انجام تحقیق در این زمینه پیروی نموده و متغیرهای بهتری را برای مقایسه ارائه نمایند. در یک سطح تئوریک تر تلاش من برای انعکاس امکان کاربرد برخی مفاهیم تئوری اقتصادی مانند عوارض جانبی یا به طور کلی تر تئوری های رشد درون زا برای تحلیل اقتصادی سیستم های مستمری بازنشستگی بود. نتیجه مطالعه حاضر این است که چنین رویکردی با توجه به پرننگ تر شدن نقش دولت می تواند بسیار مفید باشد، اما این حوزه ای است که هنوز باید، با توجه به اینکه تئوری های رشد درون زا نیز نسبتاً جدید هستند، در سطوح تئوریک و تجربی مورد کاوش بیشتر قرار گیرد.

سرانجام عقیده من این در این تحقیق است که اولویت باید با توجه به شرایطی که دولت می تواند توانایی خود را با بخش خصوصی و جامعه مدنی ترکیب نماید، مشخص گردد به گونه ای که سیاستگذاران در سطوح متفاوت با توجه به امکانات در دسترس خود بتوانند اصلاحات مناسب را انجام دهند.